



مه‌ل‌قا خان‌ی بانوی عشایری  
که ۲۶ بار در رقابت‌های سوارکاری  
قهرمان شده است

# با «ورنی بافی» زندگی‌ام را می‌گذرانم

## ناهید زمانی

بیست و ششمین دوره جشنواره عشایر آذربایجان در شرقی برگزار شد. همه منتظر آغاز مسابقه سوارکاری زنان عشایر بودند. این بار همه نگاه‌ها به مه‌ل‌قا خان‌ی دوخته شده بود. بانوی ۳۹ ساله‌ای از ایل یاغ‌بستلو که در ۱۵ دوره قبلی این مسابقات قهرمان شده بود. مه‌ل‌قا پرچمدار بانوان عشایر استان در مسابقات اسبدوانی است و همه منتظر بودند تا باز هم این بانوی شجاع که به تاختن اسب‌ها تبحر دارد زودتر از بقیه از خط پایان عبور کند. او هیچگاه اسب نداشته و قبل از مسابقه با اسب کرایه‌ای مسابقه می‌دهد و در پایان نیز جایزه نقدی را با صاحب اسب تقسیم می‌کند. همه عشایر منطقه او را می‌شناسند. چند دقیقه بعد از شروع مسابقه حادثه تلخی اتفاق افتاد و یکی از اسب‌های مسابقه مقابل مه‌ل‌قا زمین خورد و باعث شد تا اسب او سقوط کند. این حادثه باعث شکستگی و مجروح شدن مه‌ل‌قا شد و او این روزها در بیمارستان شهدای تبریز بستری است. مه‌ل‌قا سال‌هاست با ورنی بافی هزینه همسر بیمار و فرزندان‌ش را تأمین می‌کند با وجود درد زیاد می‌گوید باز هم در مسابقات شرکت خواهد کرد و نمی‌توانم از اسب و سوارکاری دل بکنم. با این بانو که ۲۶ عنوان قهرمانی در مسابقات مختلف در کارنامه زندگی‌اش دارد گفت‌وگو کردیم.

## از چه زمانی سوار بر اسب شدی و از کی مسابقه دادی؟

● زندگی یک زن عشایری چگونه است؟  
زندگی عشایری برای همه اعضای ایل مشکل است، از لحظه تصمیم به کوچ تا زمان اتراق در مقصد کار پیوسته و بدون لحظه‌ای استراحت را می‌طلبد. در مسیر گاهی حیوانات تلف می‌شوند و گاهی بچه‌ها بیمار می‌شوند. دختران ایل باید در هر کاری مهارت داشته باشند، دوشیدن گوسفند، درست کردن ماست و دوغ، پنیر، نان پختن، بچه‌داری و همکاری با مردان ایل در هدایت دام‌ها، حمل بار، ورنی بافی و ریسندگی و... همه خانوارهای ایل کوچ می‌کنند، ما هم زمانی که همسر سالم بود با بقیه ایل به بیلاق می‌رفتیم ولی از ۱۵ سال قبل به خاطر سن پایین بچه‌هایم، تنهایی و مشکلات کوچ در قشلاق می‌مانم. درس نخواندم. به‌خاطر همین (باخار کور اولموشام) بنیای کورم. دوست داشتم باسواد بودم و می‌توانستم بخوانم. ۴ خواهر و ۴ برادر هستیم و

پدرم اسب داشت، از ۱۰ سالگی سوار می‌شدم از او سوارکاری یاد گرفتم. یکی از روزها شنیدم قرار است مسابقه سوارکاری بین زن‌های عشایر برگزار شود. ۱۶ سال داشتم و اصرار کردم که من هم در مسابقه شرکت کنم. قبل از من هم زن‌های ۵۰ - ۶۰ ساله ایل در مسابقه شرکت می‌کردند، ولی مدتی بعد از حضور من در مسابقات دیگر سوارکاران قدیمی شرکت نکردند. هر بار سوار بر اسب می‌شوم همان حس لذتبخش اولین روز سوارکاری در وجودم زنده می‌شود. وقتی در خانه پدر بودم گاهی سوار اسب او می‌شدم و تمرین می‌کردم اما چون هزینه نگهداری اسب خیلی بالاست چند سال بعد فروختند، بعد از دواج هم اسب نداشتیم و همیشه با اسب کرایه‌ای که هیأت سوارکاری می‌آورد مسابقه می‌دادم.